

از سفر به عتبات شده و مظلومیت کربلایان را استمرار می دهد، ابعاد تازه‌ای بخشد و رزمندگان را با مفهوم مظلومیت که قربایت زیادی با معنویت دارد، همراه کند. این موضوع درعین آنکه غمی درمیان رزمندگان ایجاد می کرد، جان باختن آنان را در راستای جانفشانی در راه دفاع از آرمان‌های عاشورایی قلمداد می نمود. آنها می گفتند:ما از دنیا می رویم و شهید می شویم اما کربلا را ندیده‌ایم. این حسرت به وضوح در شعرهایی که در جبهه‌ها خوانده می شد، دیده می شود. همچنین الگویی از شخصیت‌های کربلایی همچون علی اکبر، علی اصغر، حبیب بن مظاهر، تشبیه فرماندهان به پرچمدار کربلا، تشبیه صبر مادران شهدا به صبر حضرت زینب(س) و... که همه الگوهای عاشورایی بودند در شکل گیری فرهنگ معنوی جبهه‌ها مؤثر بودند.

■ مرگ‌عامل مقوم معنویت جبهه‌ها

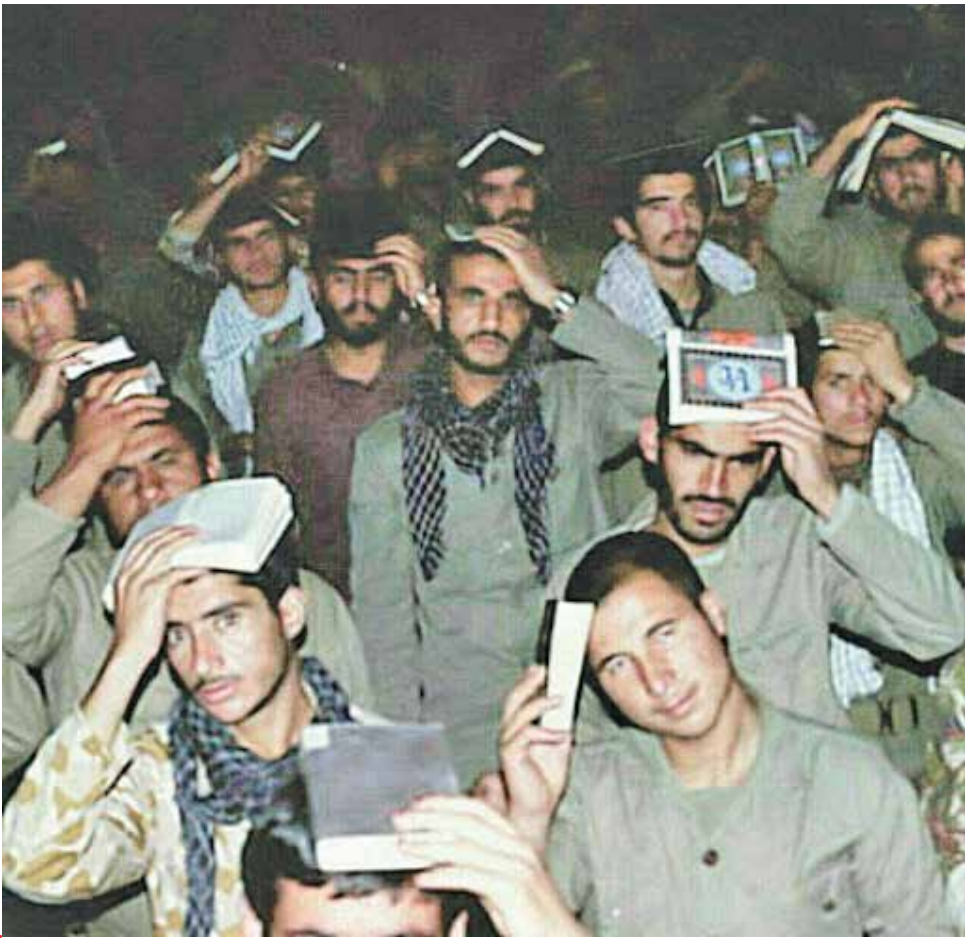
نکته دیگری که نمی توان از آن غفلت کرد آنکه جدا از ماهیت دفاع مقدس که ماهیتی عقیدتی و مذهبی داشت، کسانی که از شهر و دیار خود عازم جبهه‌ها می شدند، چون از منزل، یا محل تحصیل، یا محل کار و... خارج می شدند، از آن جایی که در راه رضای خدا حرکت کرده بودند و خود را در معرض کشته شدن در این سفر هجرت گونه می دیدند، خودشان را برای مرگی متعالی آماده می کردند. بدین سبب اغلب آنان برای بهره‌مندی از بقیه عمر در ایام حضور در منطقه یا در زمان مرخصی سعی می کردند بر رفتار خود کنترل داشته و با احساس سایه مرگ در کنار خود به معنویت گرایش بیشتری نشان می دهند. از این رونماز شب‌های خالصانه و با سوزوگاز عارفانه یکی از جلوه‌های دائمی سنگرهای رزمندگان در ایام جنگ بود و صحنه‌های عجیبی را به وجود آورده بود. جالب آنکه این افراد نماز شب را همانند نمازهای روزانه خودشان واجب می دانستند. برخی نذمی کردند زیارت عاشورا را مستحرم تلاوت کنند و اگر قضا می شد به دنبال این بودند که چگونه قضای آن را به جا آورند.

دعای توسل هم یکی از برنامه‌های همیشگی پیش از عملیات بود. همچنان که مراسم شکرگزاری بعد از عملیات‌های مهم وجه همت رزمندگان قرار داشت و برای غنا بخشیدن به اینگونه برنامه‌ها همواره گروهی از مداحان در سنگرهای جمعی رزمندگان ضرور می یافتند. در همین جهت اگر منطقه‌ای آزاد می شد بلافاصله با اهتمام تشکیلات تبلیغات جبهه‌ها مراسم دعاوثنای الهی در مناطق آزاد شده برگزار می شد.

تولویون هم این مراسم را پخش می کرد.

■ اهتمام امام نسبت به گسترش معنویت جبهه‌ها

عامل دیگری که در نفوذ و گسترش فرهنگ معنوی در میان رزمندگان مؤثر بود اهتمام امام نسبت به این موضوع بود. امام(ره) ضمن توجه هوشمندانه به این موضوع با برجسته کردن حالات معنوی رزمندگان بدان دامن زده و عمق می بخشید. به طور مثال می گفت:«... این پاسداری که در سنگر نماز شب می خواند من در مقابلش چه کسی هستم؟ ...» یا زمانی که رزمندگان با ایشان ملاقات داشتند و شعار «روح منی خمینی /بت شکنی خمینی» را سرمی دادند، خود را در مقابل عظمت روحی رزمندگان ناچیز شمرده و با تعبیری بلند از رزمندگان



خبرگزاری سپهر

فرهنگ شهادت پشتوانه معنویت جبهه‌ها



غلامعلی رجبایی
از اعضای ستاد تبلیغات در دوران دفاع مقدس

آنهايي که گذرشان به جبهه‌های نبرد در دوران دفاع مقدس افتاده است به یاد می آورند که برفضای جبهه‌ها روحیه خاصی حاکم بود که از آن با عنوان فرهنگ جبهه یاد می شد. در ایام نزدیک به عملیات این روحیه اوج می گرفت و مناظر بدیعی از روح متعالی انسانی را به نمایش می گذاشت. مناظر شوق انگیزی که تکرار آنها به ندرت اتفاق می افتد. حاملان این فرهنگ و معنویت جوان‌هایی بودند که در اخلاص، ایمان، صفای باطن و نورانیت بی بدیل بودند و در میعادگاه جبهه‌ها خود را در محضر الهی یافته با مراقبه و خودسازی مراحل کمال را طی کرده و در آستانه شهادت و عروج به جو ار الهی برایشان ممکن شده بود. حال عجیب آنان هنگام نماز هر بیننده‌ای را به حسرت وای می داشت. در ایام معنوی ماه مبارک رمضان بر آن شدید تا به این موضوع کمتر پرداخته شده، بپردازیم. در ادامه یادداشت دو تن از دست‌اندرکاران تبلیغات جنگ و طراحان و مجریان برنامه‌های معنوی دوران دفاع مقدس، سردار علیرضا مزینانی و دکتر غلامعلی رجبایی را در این خصوص ملاحظه می نمایید.

موضوع معنویت در جنگ یک موضوع گسترده است و من در تألیفاتی که در خصوص شهدا داشتم به این موضوع بسیار پرداختهام. اساساً جنگ ما در مقابل عراق یک دفاع مشروع بود به دلیل آنکه عراقی‌ها به خاک ما حمله کرده بودند و ما باید در مقابل این حمله از خودمان دفاع می کردیم. دربار دینی ما تصریح شده کسانی که در راه دفاع ازمال و ناموس شان اقدام کنند و کشته شوند، شهید حساب می شوند. رهبر کشور نیز

موضوع معنویت در جنگ یک موضوع گسترده است و من در تألیفاتی که در خصوص شهدا داشتم به این موضوع بسیار پرداختهام. اساساً جنگ ما در مقابل عراق یک دفاع مشروع بود به دلیل آنکه عراقی‌ها به خاک ما حمله کرده بودند و ما باید در مقابل این حمله از خودمان دفاع می کردیم. دربار دینی ما تصریح شده کسانی که در راه دفاع ازمال و ناموس شان اقدام کنند و کشته شوند، شهید حساب می شوند. رهبر کشور نیز

توکل و توسل، رمز عملیات علیه دشمن درونی و بیرونی

معنویت از ابتدا در جبهه‌های دفاع مقدس حضوری ملموس داشت و توکل و توجه رزمندگان به قدرت لایزال الهی به چشم می آمد. اما با انسجام نیروها، این روحیه فرصت بروز بهتر و بیشتری یافت. بدین معنا که از هنگام اداره جبهه‌ها تحت مدیریت یکپارچه و منسجم نیروهای انقلاب، تحولات مبنایی در جبهه‌ها به وجود آمد که ضمن اتفاقات چشمگیر در روند عملیات‌ها از بعد معنوی نیز تأثیر گذار بود و فرصتی برای گسترش روحیه معنوی در جبهه‌ها فراهم آمد. در نتیجه تأثیر متقابل عملیات‌ها و معنویت پیروزی‌های بزرگی نیز نصیب رزمندگان اسلام شد. شاید اولین افراد و سازمان‌هایی با تفکر و نیت متفاوتی از جمله هیجانات انقلابی در جبهه حضور پیدا می کردند و چند صباحی به جبهه می آمدند و مؤثر یا غیر مؤثر بعد از یک مدت برمی گشتند اما بعد از مدیریت منسجم، با گسترش مسائل معنوی روند عملیات در جبهه‌ها به طور کامل تفاوت کرد.

■ امام خمینی (ره) حامی معنویت جبهه‌ها نکته مهم در موضوع معنویت رزمندگان اسلام، نفوذ و هدایت معنوی حضرت امام(ره) بود. امام خمینی (ره) گام به گام اهالی جبهه را به سوی صفات عالی به پیش می برد و روح و روحیه شجاعت، شهامت، ایثار و معنویت را به جامعه می دید. چند نکته در این ارتباط به نظر مهم هستند و در خصوص معنویت در جبهه و در رزمندگان تعیین کننده بودند. اگر این موارد را در پشت جبهه هم جاری و ساری می کردیم، با قوت و جرأت می توان گفت که مشکلات اخلاقی جامعه در سطوح مختلف خیلی کمتر بود. نکته اول اینکه اغلب فرماندهان از جمله فرماندهان عالی‌رتبه جنگ، چه سپاهی و چه ارتشی، امام را باور داشتند و

گوش و چشم و جانشان متوجه امام(ره) بود. براین اساس ملایک و معیار آنان در تصمیمات، رهنمودهای معنوی امام بود و خطوط اصلی و استراتژیک دفاعی را با اتکا به رهنمودهای ایشان تبیین و تدوین می کردند. یا به صورت مستقیم از فرمایشات و نظرات ایشان که آشکارا بیان می شد یا از طریق استفسار و تلاش برای یافتن صلاحیدهای امام خمینی(ره) به دست می آوردند. یا بر اساس آنها مسائل مهم و استراتژیک را دنبال می کردند. نکته دوم، انتخاب فرماندهان، معاونان و مسئولیت‌های مرتبط با جنگ، توسط ارتش و سپاه برپایه معیارهای دینی و اخلاقی بود. براین اساس فرماندهان از میان بهترین‌ها از جهت صفات

عالیه، پاک ترین‌ها، شجاع ترین‌ها، متواضع ترین‌ها، باهوش ترین‌ها، به تلاش ترین‌ها و متعهدترین افراد از میان رزمندگان انتخاب می شدند. شاهد آن هم طیف شهدای عالی مقام از فرماندهان اصلی جنگ تا فرماندهان جزء می باشد که تمامی در این صفات برجسته اشتراک داشتند و به فراخور حال دارای مقام و منزلتی خاص بودند. شهید باکری، شهید زین الدین، شهید خرازی، شهید آبشنان، شهید بابایی و بسیاری دیگر از فرماندهان که آخرین شان شهید قاسم سلیمانی بود جملگی در حیات دنیایی از یک سبک و سیاق برخوردار و همه از بهترین‌ها بودند. اینان در موضوعات استراتژیک جنگ و عملیات‌ها، گوش به فرمان امام و فرماندهان بالادستی بودند. درواقع میان فرماندهان و امام یک رابطه مرید و مرادی برقرار بود که عشق و دوستی خمیرمایه آن بود. رابطه‌ای بر مبنای باورپذیری و تبعیت و نادرستی اعمال و اقدامات بود تا آنجا که هر کس آن ایام پایش به جبهه‌ها رسیده باشد به عینه مشاهده و درک کرده است. نکته قابل ذکر دیگر این است که چه عاملی موجب تعالی معنویت در جبهه‌ها بود و فضای جبهه‌ها را به سوی معنویت بیشتر پیش می برد، پاسخ این پرسش را باید در پیوند مجموعه رزمندگان از صدر تا ذیل با مکتب اهل بیت دانست. اغلب جلسات مشورتی و تصمیم‌گیری با آیاتی

■ سیر وسلوک معنوی رزمندگان اغلب کسانی که به عنوان رزمنده داوطلب اعزام به جبهه بودند شور و حال خاصی داشتند. آنان چون از شهر خودشان کنده شده بودند، همین کنده شدن یک حس و حال معنوی در آنان ایجاد می کرد. برخی از آنها در ابتدای زندگی بودند و تازه ازدواج کرده یا در آستانه امتحانات دانشگاهی قرار داشتند. در چنین شرایطی فرد دچار یک جهش معنوی می شود. وقتی فردی بریده از دنیا بود و ارتباطی با شهر محل زادگاهش نداشت، همانند کسی که از دنیا کنده شده موجب می شد تا مستعد معنویت طلبی شود. همانگونه که در مراحل سیر وسلوک هم به این موضوع اشاره شده است. براساس آموزه‌های سیر وسلوکی کنده شدن از وابستگی‌های دنیایی بسیار اهمیت داشته

■ سیر وسلوک معنوی رزمندگان اغلب کسانی که به عنوان رزمنده داوطلب اعزام به جبهه بودند شور و حال خاصی داشتند. آنان چون از شهر خودشان کنده شده بودند، همین کنده شدن یک حس و حال معنوی در آنان ایجاد می کرد. برخی از آنها در ابتدای زندگی بودند و تازه ازدواج کرده یا در آستانه امتحانات دانشگاهی قرار داشتند. در چنین شرایطی فرد دچار یک جهش معنوی می شود. وقتی فردی بریده از دنیا بود و ارتباطی با شهر محل زادگاهش نداشت، همانند کسی که از دنیا کنده شده موجب می شد تا مستعد معنویت طلبی شود. همانگونه که در مراحل سیر وسلوک هم به این موضوع اشاره شده است. براساس آموزه‌های سیر وسلوکی کنده شدن از وابستگی‌های دنیایی بسیار اهمیت داشته

به هر حال وجود شخصیت‌های معنویت گستر در کنار اینگونه برنامه‌ها به منظور تقویت بنیه معنوی رزمندگان و شکل گیری فرهنگی با عنوان فرهنگ جبهه تا پایان جنگ ادامه یافت. حتی برای تقویت آن ستادهایی نیز ایجاد و آغاز به فعالیت کردند که از جمله آنها ستادی در قرارگاه کربلا و بعد از آن ستادی در قرارگاه خاتم‌تحت عنوان (ستاد است) که مداحان جنگ از آنجا ساماندهی شده و به مناطق مرزی و محل تجمع رزمندگان اعزام می شدند. اغلب کتاب‌هایی نیز با موضوع معاد در پایان برنامه‌های مداحی بین رزمندگان توزیع می شد. ۳ برنامه ثابت در جبهه‌ها وجود داشت؛ یکی دعای توسل که شب‌های چهارشنبه بود، یکی دعای کمیل که شب‌های جمعه و دعای ندبه که جمعه‌ها صبح برگزار می شد. همچنین درایام خاص اعیاد و وقیبات برنامه‌های مولودی خوانی و سینه زنی هم بود. درایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان هم برنامه‌های ویژه‌ای به اجرا در می آمد که به دامن زدن به فضای معنوی جبهه‌ها کمک بسیاری می کرد. گاهی درایام محرم و صفر با استفاده از سنت‌های معمول در شهرستان‌ها شور و حال خاصی در حین اجرای برنامه‌ها به وجود می آمد. مانند اجرای مراسم (شاخسی، واخسی) ترک ها یا مراسم سینه زنی خوزستانی‌ها به سبک دایره و... بود. این مراسم بازپر داخت نماه‌های عاشورا بود که درونمایه‌ای سرشار از معنویت داشت و می توانست در ایجاد فضا معنوی کمک مؤثری باشد.

■ سیر وسلوک معنوی رزمندگان اغلب کسانی که به عنوان رزمنده داوطلب اعزام به جبهه بودند شور و حال خاصی داشتند. آنان چون از شهر خودشان کنده شده بودند، همین کنده شدن یک حس و حال معنوی در آنان ایجاد می کرد. برخی از آنها در ابتدای زندگی بودند و تازه ازدواج کرده یا در آستانه امتحانات دانشگاهی قرار داشتند. در چنین شرایطی فرد دچار یک جهش معنوی می شود. وقتی فردی بریده از دنیا بود و ارتباطی با شهر محل زادگاهش نداشت، همانند کسی که از دنیا کنده شده موجب می شد تا مستعد معنویت طلبی شود. همانگونه که در مراحل سیر وسلوک هم به این موضوع اشاره شده است. براساس آموزه‌های سیر وسلوکی کنده شدن از وابستگی‌های دنیایی بسیار اهمیت داشته

هرگز اختلافی از جنس اختلافات سیاسی و مغرورانه پیش نمی آمد. حتی بچه‌هایی که شاید از نظر سیاسی هم نظر نبودند، فضای جبهه‌ها عاری از بحث و جدل و تنش بود و هیچ موقع اتفاق نمی افتاد فردی به دلیل گرایش سیاسی مورد بغض و دشمنی دیگری قرار گیرد و روحیه برادری و صفا و صمیمیت بریان اهالی جبهه موج می زد. همه توجهات به دفع شر دشمن و پیروزی بر ظلم و تجاوز بود. همه یکدل و متفق، در انجام وظایف خودشان سعی و کوشش داشتند و در کسب صفات عالی به یکدیگر سبقت می گرفتند. واحد تبلیغات و آموزش در دوران دفاع مقدس هم فعالیت‌های زیادی برای این که جو معنوی جبهه‌ها بالا برود انجام می دادند. ما در تبلیغات برنامه‌های مختلفی داشتیم. اعزام مبلغ به صورت

اتفاقاتی همچون وزیدن باد مخالف هنگام بمباران‌های شیمیایی یا باریدن باران در مقاطع حساس که برتری ادوات دشمن را خنثی می کرد. اینگونه اتفاقات آسمان را به زمین وصل کرده و به مدد رزمندگان در اوج استیصال می آمد، که بر اثر آن گاهی تانک‌های دشمن زمین گیر شده و از کارایی ادوات دشمن بدست کاسته می شد. نقل و روایت اینگونه اتفاقات معجزگونه، خود به خود موجب تقویت روحیه معنوی رزمندگان شده و باورهای آنان را مستند می کرد. تأثیر این اتفاقات به قدری بود که امروز هم نقل آنها به روایت رزمندگان با در فیلم‌های به یادگار مانده از شهدا انسان را به تأمل وای می دارد. ما اوج معنویت گرایی در جبهه‌ها را می توانیم در وصیت‌نامه شهدا ببینیم. این موضوع نیاز به یک پژوهش گسترده دانشگاهی دارد که بلاشک به سرفصل‌های جدیدی از معنویت در جبهه‌ها دست خواهد یافت. وصیت‌نامه شهدا چکیده و عصاره معنویت رزمندگان در دوران جنگ است که همانند تیتریک مقاله، خبر از محتوای دوران جنگ دارد. محال است در وصیت‌نامه شهدا به اطاعت از خدا، ترک گناه، نماز شب، نیکی به پدر و مادر، دفاع از اسلام و کشور اشاره نشده باشد.

به هر حال معنویت در جبهه یکی از ویژگی‌ها و برتری‌های رزمندگان ما نسبت به دشمن یعنی در دوران دفاع مقدس بود که ما به آن می‌بالیم و در تاریخ ماندگار خواهد شد. خوشبختانه بر خلاف جنگ‌های دوران قاجار، در جنگ هشت ساله با عراق آثار ارزشمند به حد کافی موجود است که می‌تواند در همه بررسی‌های محققانه موضوع در اختیار پژوهشگران قرار گیرد. لذا من از محققین دعوت می‌کنم که وارد این حوزه شوند، زیرا به این موضوع کمتر توجه شده و موضوع معنویت در جبهه‌ها مورد بی‌مهری قرار دارد. متأسفم که بگویم علاقه برخی افراد نسبت به ساخت پل در اروند جذاب‌تر از موضوع به این اهمیت با عمق فرهنگی است.

پرداختن به این موضوع به حوزه‌های علمیه برمی‌گردد که ساختار لازم برای تبیین این گونه موضوعات را دارا می‌باشند، زیرا یکی از بخش‌های این موضوع، اعزام مبلغ از سوی حوزه‌های علمیه است که با هدف توسعه معنویت در جبهه انجام می‌گرفت. فرصت دیگری که در این ارتباط می‌توان به آن اشاره کرد موضوع معنویت در میان اسراست. من یک فرهنگ سه جلدی در مورد آزادگان نوشته‌ام و آنجا بحث‌هایی را در این مورد مطرح کرده‌ام. برخی از آزادگان زیر شکنجه‌های وحشیانه عراقی‌ها خلق صحنه‌های باشکوهی بودند که در کتاب‌ها و خاطرات اسرا به خوبی به این موضوع اشاره شده است. همچنین امدادهایی که در دوران اسارت به رزمندگان شد و یا خواب‌های صادقه رزمندگان...

به همین سیاق می‌توانیم به بعد دیگری از معنویت در دوران دفاع مقدس یعنی معنویت موجود در خانواده‌های شهدا اشاره کنیم. همسران و فرزندان شهدا حاصل فرهنگ معنویت‌اند و دریچه‌هایی به سوی ذخایر اصیل معنوی که می‌توانند صفحات تازه‌ای را روی جویندگان بکشایند و جامعه را از برکات آن برخوردار سازند. زندگی و وصیت شهدا و خانواده‌های آنان بارقه‌های معنوی‌اند که امروز در میان ما حضور دارند.

منظم در یگان‌ها انجام می‌شد تا نمازهای جماعت سر وقت تشکیل شود، دعاها خوانده شود و از مداحان اهل بیت و شعرا دعوت می‌شد و برنامه‌های مذهبی متنوعی در مراسم مختلف برگزار می‌شد. رزمندگان در این گونه مراسم و برنامه‌ها شرکت می‌کردند و تمام تلاش ما این بود که در واحد تبلیغات نیازهای معنوی رزمنده‌ها را تأمین کند و آنچه لازم است با حضور علما و روحانیون، مداحان و رزمنده‌هایی که کارهای هنری مثل خطاطی، نقاشی یا کارهای دیگری که بود همه اینها به نحو احسن انجام شود.

در یک کلام می‌توانم بگویم که فضای معنوی همچون چتری در تمامی جبهه‌ها سایه‌اش گسترده بود و مدیریت جنگ با هدف گذاری‌های مطلوب به ایجاد و حفظ جو معنوی در جبهه‌ها یاری رسان بود. این فضا منجر به توسعه جو معنوی شده و در نتیجه سخت‌ترین خطوط دشمن در مناطق مختلف عملیاتی با پیروزی‌های بزرگی همراه بود و بر صداقت و همت و غیرت رزمندگان تکیه داشت. امیدوارم آن فضای معنوی و قافرا و نگرش‌های آرازنده و الهی بچه‌های رزمنده دیروز بار دیگر بر شهرها و روستاهای کشور حاکم شود تا بر اساس آن دوستی استوار و همه توجهات پیروزی‌های عالیرتبه جنگ، چه ارغمان بیاورد.



آرژانتین

فرهنگ اشتی ر بودند که به صفات اخلاقی و معنوی زیادی متمصف بودند. از این رو فرماندهان اصلی و فرماندهان یگان‌ها الگویی برای سایر رزمندگان و سرمشق آنان در مسائل معنوی بودند. آنان در هر شرایطی نمازهایشان را اول وقت و با حضور قلب می‌خواندند، اغلب شب‌ها به نماز شب برمی‌خاستند، در توکل به خداوند متعال و در اعمال خیر و نیک بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند و این همه در شرایطی بود که در انجام وظایف خودشان کمترین تعلل و کوتاهی نداشتند. فرماندهان هر چه از موقعیت و جایگاه رفیع‌تری برخوردار بودند، دارای روحی صیقلی‌تر بودند. از آنجا که توجه مجموعه دست‌اندرکاران دفاع مقدس به خدا بود و همه برای رضا ایستاد بودند که کمترین خلی در فرماندهان و مسئولان در هیچ سطحی